

## دو سند نویافته از دکتر لیندلی

سید محمدحسین منظورالاجداد<sup>۱</sup>

مریم ثقفی<sup>۲</sup>

در آغاز قرن نوزده، انگلستان حضور چشم‌گیری در صحنه‌های مختلف ایران داشت. یکی از بهترین راه‌های نفوذ آنان، ورود پزشکان انگلیسی به ایران و حضور آنها در دربار و نیز حضور هیئت‌های مبلغ مذهبی در کشور و نفوذ آنان میان طبقات مختلف مردم بود.

به‌قول دنیس‌رایت، پزشکان انگلیسی، کانال ارتباطی مفیدی بین سفارت انگلستان و دربار به‌شمار می‌آمدند.<sup>۳</sup> پزشکان انگلیسی همراه مبلغین مذهبی، یا از طرف کمپانی هند شرقی یا به‌طور مستقل به ایران می‌آمدند، بعدها نیز شرکت نفت ایران و انگلیس، عده‌ای از این طبیبان را به ایران فرستاد. این افراد، کارهای پزشکی و سیاسی را با هم انجام می‌دادند و در تمام دوره قاجار، پزشکان انگلیسی، در سفارت انگلستان یا نمایندگی آنها در بوشهر و آبادان یا در دربار شاهان حضور داشتند.<sup>۴</sup> در این میان پزشکانی که وابسته به دربار بودند، در انتقال اطلاعات، بهتر از دیگران عمل می‌کردند.

آخرین پزشک انگلیسی که با دربار قاجار در ارتباط بود، دکتر لنوکس لیندلی بود که به‌عنوان دستیار پزشک مظفرالدین‌شاه، از سال ۱۹۰۰ میلادی تا دوره احمدشاه در دربار خدمت کرد. در اصل دکتر لیندلی،

۱. استاد راهنما و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس.

۳. رایت، دنیس، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان در طول دوره قاجاریه ۱۷۸۷-۱۹۲۱، ترجمه خسرو پورخسرو، هفت رنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹

۴. همان، ص ۱۶۶.

معاون دکتر ادکوک بود، اما بعدها جانشین وی گردید.<sup>۱</sup> مظفرالدین شاه، در دوران ولیعهدی خود در تبریز، دکتر ادکوک انگلیسی را به عنوان سر پزشک مشاور در کنار پزشکان مخصوص ایرانی و فرانسوی خود منصوب نمود.<sup>۲</sup>

دکتر ادکوک و معاونش دکتر لیندلی، در دومین سفر مظفرالدین شاه به اروپا، وی را همراهی نمودند. پدر دکتر لیندلی، یکی از لردهای انگلستان بوده که شاه در سفرش به انگلستان او را ملاقات نموده است.<sup>۳</sup> مظفرالدین شاه درباره این ملاقات، چنین گفته است: «لرد لیندلی پدر دکتر لیندلی هم به حضور ما آمد. پیرمرد ریش سفید خوش رویی بود؛ با همه، اظهار تفقد و احوال پرسی فرمودیم».<sup>۴</sup>

به دلیل اقامت طولانی دکتر لیندلی در ایران، وی شاهد حکومت سه تن از پادشاهان قاجار، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه بود. اولین قرارداد استخدامی وی در رمضان سال ۱۳۱۸ قمری برای مدت سه سال و به عنوان معاون دکتر ادکوک<sup>۵</sup> و با حقوق پانصد لیره در سال بود. دکتر لیندلی طی این قرارداد، ملزم بود که در مسافرت‌های مظفرالدین شاه، وی را همراهی نماید. دکتر لیندلی طی اقامتش در تهران، اجازه داشت که به طبابت شخصی نیز بپردازد. (سند شماره ۱)<sup>۶</sup>

در جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۲ قمری، قرارداد دکتر لیندلی به مدت شش سال و با حقوق سالیانه هزار لیره انگلیسی تمدید گردید (سند شماره ۲)<sup>۷</sup>. ظاهراً وی در تمدید قرارداد بعدی و دریافت حقوق، مدتی با مشکلاتی روبرو گردیده است، سندی از سال ۱۳۲۸ قمری در دست است که وزارت مالیه نامه‌ای به وزارت امور خارجه نوشته، طی آن اظهار نموده است: (سند شماره ۳)<sup>۸</sup>

«آیا تجدید کتترات دکتر لیندلی تصویب شده یا خیر و در صورت تصویب هم اگر استخدام مشارالیه راجع به طبابت اعلی حضرت همایونی باشد، مراتب کتترات را باید وزارت دربار اعظم بدهد و اگر برای مجلس حفظ‌الصحه عمومی و غیره است، ترتیب و تجدید آن از وظایف وزارت علوم خواهد بود».

در رابطه با پرداخت حقوق دکتر لیندلی نیز، در سندی دیگر آمده که برات وی توسط آقای عمادالسلطان صادر شده، اما به دست مشارالیه نرسیده و مفقود گردیده است. (سند شماره ۴)<sup>۹</sup> چنین به نظر می‌رسد که برای مدتی، حقوق دکتر لیندلی پرداخت نگردیده است، زیرا در سال ۱۳۲۱ ش

۱. همان، ص ۱۷۰

۲. فلور، ویلم، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی‌پور، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳

۳. محمدی، ذکراالله و قدرت محمدی، «ریشه‌یابی علل حضور پزشکان انگلیسی در ایران عصر قاجار و نقش آنها در مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی آن زمان»، تاریخ روابط خارجی، ش ۳۸ و ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۱.

۴. فخرالملک، دومین سفرنامه مبارکه همایونی - دومین سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ، تهران، کاوش، ۱۳۶۲، ص ۱۱۵

۵. دکتر ادکوک به مدت ده سال ریاست پزشکان مظفرالدین شاه را به عهده داشت. دنیس رایت، همان، ص ۱۶۹

۶. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه اسناد شماره ۲۴۰۱۳۸۵۴.

۷. همان مجموعه اسناد.

۸. همان.

۹. همان.

و در حالی که دکتر لیندلی به کشورش مراجعت نموده بود، طبق سندی، خزانه‌داری کل اعلام کرده که «۴۹۰ لیره مستمری دکتر لیندلی که اکنون ساکن لندن می‌باشد، از طریق بانک حواله شده و در قبال رسید و دریافت آگهی هویت، این وجه به‌وی مسترد خواهد شد.» (سند شماره ۵)<sup>۱۰</sup>

اما نکته حائز اهمیت، دو سند انتشار نیافته از دکتر لیندلی است که وی در آن از مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله، وزیر علوم و فواید عامه وقت، تقاضای تدریس طب در دارالفنون و تأسیس داروخانه نموده است.

### شرح اسناد

دو سندی که در این مقاله از دکتر لیندلی ارائه شده، از چند جهت اهمیت دارد:

۱. با وجود آنکه دکتر لیندلی به عنوان طبیب مخصوص دربار استخدام گردیده، تقاضای تدریس طب و جراحی را در دارالفنون نموده است.
۲. دکتر لیندلی در درخواست خود، تأکید نموده که خود و داروسازش، حقالزحمه از بیماران نخواهند گرفت و طبابت وی و داروهای عرضه شده، برای کمک به فقرا است.
۳. وی سه اطاق از دارالفنون را برای مطب و تدریس داروخانه و زخم‌بندی و جراحی درخواست نموده است.
۴. دکتر لیندلی هزینه سالیانه داروخانه و مطب را حدود هزار تومان و مخارج خرید لوازم را نیز حدود هزار تومان تعیین نموده است. در سال ۱۳۲۸ قمری، این مبلغ قابل ملاحظه‌ای بوده که می‌بایست دولت آن را تأمین می‌نموده است.

### متن سند اول<sup>۱۱</sup>

تهران، دوم صفر ۱۳۲۸

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل آقای صنیع‌الدوله وزیر علوم و فواید عامه دامت شوکتة معروض می‌دارد در جواب وعده که مرحمت فرمودند که [...] ارادتمند تشکیل دواخانه برای فقرا دهم، تدریس به طلاب مدرسه دارالفنون معاونت فرمایند، اینک پروگرام ذیل را انفاذ حضور مبارک می‌دارد و اطمینان دارد که به موقع قبول خواهد افتاد.

اول آنکه دواخانه برای معالجه مردمان فقیر در مدرسه دارالفنون یعنی جزء آن مدرسه تشکیل شود. دویم آنکه دکتر لیندلی طبیب آن و آن اداره سپرده او و مسئول جناب وزیر علوم باشد. سیم آنکه دکتر لیندلی مرضا را معالجه کند و اداره را برای تدریس عملی علم طب و جراحی یعنی کلینیک اکسترن به شاگردان طب که امتحان تشریح و فیزیولوژی [فیزیولوژی] داده‌اند، کلینیک قرار بدهد. چهارم در ماههایی که مدرسه برای تحصیل طلاب مفتوح است، دواخانه روزهای دوشنبه و چهارشنبه و

۱۰. همان، سند شماره ۲۴۰۰۱۱۲۸۴.

۱۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه اسناد شماره ۲۹۷۰۲۶۷۳۷

دو سند نویافته از دکتر لیندلی / مریم تقفی

جمعه از صبح تا ظهر برای فقرا باز باشد.

پنجم دکتر لیندلی یا دواساز او یا هرکس که بسته به دواخانه است حق المعالجه یا حق الزحمه نخواهد گرفت. از تحقیقات زیاد و تخمین ارادتمند، همچو معلوم شده که مخارج دولت از قرار ذیل خواهد بود: اول سه تا اطاق تحتانی از مدرسه که بهمراه داشته باشد، بدهند؛ یکی برای دواخانه، یکی برای مطب و مدرس دکتر لیندلی، یکی برای ملاحظه یا زخم‌بندی مرضا یا عملیات جزیی. دویم یک دواساز به شهریه بیست و پنج الی سی تومان و یک فراش به مواج [باهر] شش تومان. سیم مخارج سالیانه برای دواها و زخم‌بندی و غیرها از هفتصد و پنجاه تومان الی هزار تومان باشد. چهارم مخارج ابتدایی ابتیاع دواها و ملزومات زخم‌بندی و آلات و ادوات جراحی میکروسکوپ [افثال مسکوپ] و اسباب لازمه کلینیک تقریباً از هفتصد و پنجاه تومان الی هزار تومان میشود. پنجم دکتر لیندلی در حساب دادن آنچه مخارج شود، مسئول، جناب وزیر علوم خواهد بود. ارادتمند صدیق لیندلی

Lh Lindley

۱۳ فوریه ۱۹۱۰

### متن سند دوم<sup>۱</sup>

وزارت معارف و فواید عامه، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۸

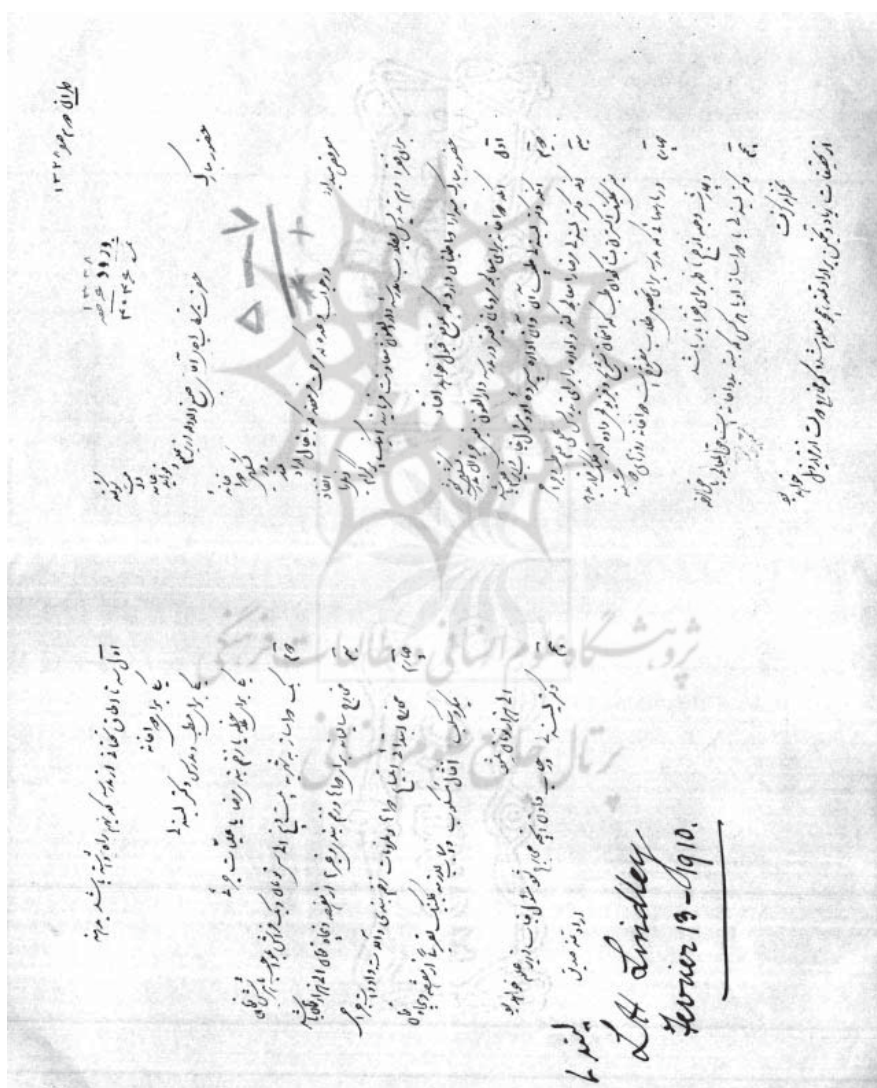
دکتر لیندلی را در ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۰، به عنوان معاونت دکتر ادکاک برای طبابت مظفرالدین شاه اجیر کرده‌اند و مدت اجیر بودنش موافق چهار فقره کتتراتی که ذیلاً ایقا شود، تا یک سال دیگر امتداد یافته. در کتترات سومش در فصل نهم نوشته شده که این قرارداد مدت سه سال برقرار خواهد بود، مگر اینکه به موجب شرط ششم، فسخ شود و بعد به هر طور دیگر که این قرارداد به هم بخورد، مواجب دکتر لیندلی تا آخر قرارداد پرداخت خواهد شد، به انضمام پانسیون که در آخر قرارداد، یعنی در ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۶ مستحق خواهد بود، در کتترات اخیرش که شش سال دیگر به مدت خدمت پنج سال سابقش، افزوده شده، مقید است که بعد از انقضای مدت شش سال مذکور که به پنج سال خدمت سابقه دکتر لیندلی افزوده می‌شود، در صورت معاودت مشارالیه به فرنگستان، نصفه مقرری او به عنوان مستمری مرحمت خواهد شد. در صورتی که قبل از انقضای مدت شش سال، برحسب میل و اراده اعلی حضرت همایونی یا به واسطه مرض سخت یا به واسطه قوه جبریه، مجبور به مراجعت شود، مستمری مشارالیه یک ثلث مقرری او خواهد بود. در صورت عزیمت دکتر لیندلی به فرنگستان، وجهی بابت مخارج راه به او مرحمت خواهد شد

حاشیه

حالا یک سال به آخر مدت خدمت دکتر باقی مانده؛ اگر از خدمت معافش بداریم، باید یک مخارج سفر و

۱. همان، مجموعه اسناد شماره ۲۹۷۰۲۶۷۳۷

موجب تا آخر مدت را با یک ثلث موجب به‌عنوان پانسیون به او بدهیم و اگر این یک سال هم بگذرد، باید علاوه بر مخارج سفر و موجب، تا آخر خدمت به جای ثلث موجب، نصف موجب به او پانسیون داد. دکتر مزبور این اوقات، این راپورت را هم که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید، به اداره معارف فرستاده، اداره معارف هم لازم دارد همچو شعبه را در مدرسه دایر نماید و در جزء اصلاحات دارالفنون که تربیت این قسمت عملیات طب، بر تربیت کامل‌تری پیشنهاد شده است، منتها دکتر مزبور به شکل مختصرتری انجام این کار را خواستار آمده، تا نمایندگان مجلس مقدس اولاً در ایفا و عدم ایفا دکتر چه رأی بدهند و ثانیاً در اجرای این پیشنهاد دکتر که مختصرتر یا در اجرای آن پیشنهاد وزارت معارف که مفصل‌تر است، چه تصویب فرمایند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه اسناد شماره ۲۹۷۰۲۶۷۳۷

